

## روابط ایران و روسیه در دوره صفویه طی سال‌های 1100-1080 ق.

علیرضا کریمی<sup>۱</sup>

### ◆ چکیده

بنا بر نشانه‌های گوناگون، در تاریخ ایران عصر صفوی سال‌های 1100 - 1080 ق. متفاوت می‌نماید. یکی از آن نشانه‌ها، اتخاذ سیاست خارجی منطقی و دوراندیشانه از سوی دولت وقت است. از آن جمله، گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی با روسیه، به عنوان بخشی از مرحله تنش‌زدایی با همسایگان شمالی و غربی. این رویکرد، به موازنه در روابط اقتصادی با قدرت‌های دیگر یاری رساند و موجب رونق اقتصادی ایران نیز گردید. رویکرد دولت ایران در این دوره، در روابط خارجی خردمندانه بود و از این رو در برابر اصرار روس‌ها برای اتحاد با آنها در حمله به عثمانی ایستادگی کرد؛ زیرا برای خود، روسیه قوی را بسیار خطرناکتر از عثمانی می‌دانست. از سوی دیگر، وزیر اعظم وقت ایران کوشید با تبیین منطقی دلایل مخالفت خود در اتحاد نظامی با روس‌ها علیه عثمانی، از دلسردی همسایه شمالی جلوگیری کند. موافقت نسبی ایران با استراتژی تجاری روسیه، علاوه بر گسترش امنیت مرزهای شمالی ایران، فواید سیاسی و اقتصادی متعددی نیز در برداشت. این پژوهش بنیادی و نظری است و در آن، برای گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل، از اسناد و منابع کتابخانه‌ای با تأکید بر روش تحلیل محتوا و رویکردی توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

### • واژگان کلیدی

ایران، روسیه، روابط خارجی، صفویه

تاریخ پذیرش مقاله: 1393/7/5

تاریخ دریافت مقاله: 1393/4/10

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز

Email: alirezakarimi46@gmail.com

## مقدمه

قدرت امپراتوری روسیه از اواخر قرن ۱۶م. رو به افزایش نهاد و به فکر توسعه قلمرو خود در سرزمین‌های عثمانی افتاد. در این زمان و در اوایل قرن ۱۷م. حکومت صفویه علی‌رغم اشتهار به ضعف، با دوراندیشی و اتخاذ سیاست خارجی مناسب، موازنه مثبتی در جهت منافع ایران برقرار کرد.

سیاست خارجی روس‌ها در رابطه با ایران و تدابیر ایران در روابط با روسیه از جمله موضوعات در خور بررسی است.

## روابط ایران با روسیه در این دوره

در بررسی روابط ایران و روسیه در دوره صفویه، ناگزیر دوره شاه عباس اول در مطلع بحث قرار دارد. شاه عباس اول در سیاست داخلی و خارجی، روندی در پیش گرفت که پس از وی نیز راهگشای جانشینان او گردید. شاه عباس در آغاز حکومت با دشواری بزرگی روبه‌رو شد: بازپس‌گیری اراضی اجدادی از عثمانی؛ اما توان نظامی ایران را کافی نمی‌دانست و بنابراین، استمداد از قدرت‌های دیگر را در صدر اقدامات خود قرار داد. شاه عباس پی در پی نامه‌هایی برای فرمانروایان اروپا فرستاد و آنها را به اتحاد نظامی در حمله به عثمانی تشویق کرد. گرچه کوشش‌های او نافرجام ماند، با این همه نومید نشد و از روس‌ها نیز یاری خواست. با اینکه در آغاز امیدی نبود، اما سرانجام روس‌ها درخواست شاه عباس را پذیرفتند: بوریس گودونف تزار روس، سپاهی شامل چند هزار سرباز، همراه چندین دستگاه توپ برای محاصره قلعه دربند، به یاری شاه گسیل داشت. او حتی از شاه خواسته بود تا خود به جنگ با عثمانی ادامه دهد (شاردن، ۱۳۴۹:

215/3). شاه عباس پس از آنکه پیروزی‌هایی در نبرد با عثمانی‌ها به دست آورد، مهدی قلی بیگ را به سفارت به دربار تزار گسیل داشت تا اخبار موفقیت‌های نظامی را به آگاهی تزار برساند و از کمک‌های نظامی او تشکر کند (همان). شاه عباس به حفظ روابط دوستانه با مسکو علاقه ویژه داشت و از هر چه که این روابط را به خطر می‌افکند، می‌گریخت. برای مثال، در جریان لشکرکشی‌هایش به گرجستان، لهراسب حاکم آنجا را اسیر کرد و به شیراز فرستاد. گرجیان، تزار را به وساطت طلبیدند و او نیز سفیری به دربار صفوی فرستاد. شاه عباس دستور داد تا لهراسب را به گونه‌ای بکشند که مرگش طبیعی جلوه کند (شاردن، 1349: 893/2 - 892)، زیرا قصد بخشیدن لهراسب را نداشت و از سوی دیگر، نگران ناخرسندی تزار نیز بود. احتمالاً شاه عباس بخشش لهراسب را موجب افزایش نفوذ تزار در گرجستان و مجازات او را موجب خشم تزار می‌دانست؛ بنابراین، تنها راه‌هایی از این دشواری، نمایش مرگ طبیعی لهراسب بود.

روابط ایران و روسیه پس از شاه عباس اول همچنان، اما محدود ادامه یافت. در آغاز پادشاهی عباس دوم، تزار روسیه سفیری برای عرض تبریک جلوس به دربار او فرستاد و شاه نیز در پاسخ، آقا حسین جنگرودی را همراه سفیر مذکور به دربار تزار گسیل داشت (وحید قزوینی، 1329: 54)، اما روابط عباس دوم با روسیه اندک‌اندک به سردی گرایید، زیرا روس‌ها کوشش می‌کردند از موقعیت سیاسی خود در ایران سوء استفاده کنند: از آنجا که طبق عرف متداول، سفرا از پرداخت عوارض معاف بودند، سفرای روس بیشتر به منظور تجارت و نه سفارت، به ایران می‌آمدند. پس از آنکه این نکته برای شاه آشکار شد، با آنها رفتاری سرد در پیش گرفت و این موجب تیرگی نسبی در روابط روسیه با ایران گردید.

## روابط ایران با روسیه در سال‌های ۱۱۰۰-۱۰۸۰ ق.

### الف- روابط سیاسی:

در دوره وزارت میرزا محمد مهدی اولین وزیر شاه سلیمان، بسیاری از قزاق‌های تبعه روسیه به ایران حمله کردند و دست به کشتار و غارت بسیار زدند. این حمله به تحریک تزار اتفاق افتاد، زیرا تزار در اواخر پادشاهی عباس دوم از بی‌احترامی او به سفرای خود سخت دلگیر بود. در ابتدای جلوس شاه سلیمان بر تخت سلطنت، دسته‌ای از قزاق‌ها به مازندران یورش آوردند. در این زمان، گروهی از تجار روس همچنان در ایران فعالیت می‌کردند، اما حملات قزاق‌ها راههای تجاری را ناامن کرده بود (شاردن، ۱۳۴۹: ۲۰۳/۹؛ لاکهارت، ۱۳۶۸: ۱۲۴؛ Chenciner..., 1992). پس از آنکه شیخ علی‌خان زنگنه به مقام وزارت رسید، سیاست تنش زدایی با همسایگان را در پیش گرفت. او با آگاهی از اینکه ناامنی‌های شمال ایران ناشی از تحریکات روسیه است، از راههای گوناگون کوشید روابط ایران و روسیه را اصلاح کند. برای مثال، وقتی شاه سلیمان سفرای اروپایی را به حضور پذیرفت، سفیر روسیه را بر آنها مقدم داشت (نوائی، ۱۳۶۰: ۲۳۴). روسیه نیز از رویکرد تازه دولت ایران خوشنود بود و از هر فرصتی برای نزدیکی به ایران استفاده می‌کرد. تمایل روس‌ها، همراهی ایرانی‌ها با آنها در یورش به عثمانی بود. بنا بر گزارش شاردن در باره سفر هیأتی از روسیه به ایران، از ایران خواسته شد تا در ائتلاف تزار روس و لهستان علیه عثمانی شرکت کند و ایران شرکت خود را به جنگ مسکوی‌ها و پلنی‌ها با عثمانی مشروط کرده بود. روس‌ها می‌باید به ایران بطور قطعی قول می‌دادند که به هیچ وجه بدون شرکت ایران با عثمانی صلح نخواهند کرد. با این همه، سفیر روسیه بدون پذیرش شرایط ایران، همچنان بر خواسته‌های خود اصرار

می‌ورزید. شیخ علی‌خان به او گفت: «مسیحیان چندین بار پادشاهان ایران را به جنگ با عثمانی واداشته‌اند، ولی بالاخره بدون شرکت دولت ایران آنان با باب عالی قرارداد صلح منعقد ساخته‌اند» (شاردن، 1349: 276/3). سفیر روسیه به شیخ علی‌خان گفت که با کمک ایران در کمال آسانی می‌توان سلطان عثمانی را از میان برداشت. شیخ علی‌خان پاسخ داد: «اگر دولت عثمانی به ضعف دچار شده و خوار و ذلیل گشته است دولت ایران حرفی ندارد ولی ایران نمی‌خواهد که دولت عثمانی به کلی نابود شود و از میان برود. زیرا اگر چه دولت عثمانی برای ایران همسایه‌ای قوی است و گاهی وسایل ناراحتی ایران را فراهم می‌کند ولی اگر در همسایگی ایران دولت دیگری بود که مذهبش با مذهب ما ایرانیان اختلاف داشت یعنی همسایه ما به جای عثمانی دولتی غیر مسلمان بود تحمل او برای ما دشوارتر بود. برای دولت ایران نفعی ندارد که دولت عثمانی به کلی ضعیف شود و نتواند از خود دفاع کند زیرا برای کشور شاهنشاهی ایران ممالکی که سلطان عثمانی در اختیار دارد در حکم سد محکمی است که از هجوم سلاطین مسیحی به کشور ایران جلوگیری می‌کند» (سانسون، 1346: 174). سانسون سخنی از تاریخ دقیق این گفت و گو به میان نیاورده است، اما تاریخ 1080 ق. ذکر شده در مختصرالتواریخ درست به نظر می‌رسد (نامعلوم، خطی، ذیل وقایع 1080 ق.). این گفت و گو، نشانه‌ای از اوج اشراف این وزیر بر مناسبات جاری میان قدرت‌های وقت دنیا است. همچنان که کشورهای غربی می‌توانستند زمانی برای ایران خطرناک باشند، روسیه نیز می‌توانست تهدیدی برای ایران تلقی شود. شیخ علی‌خان در توضیح سخن خود گفت: «مسکو همسایه و دوست ماست و روابط تجاری و مناسبات بین دو کشور از زمان قدیم مدام برقرار و استوار بوده است. ما تقریباً همه ساله میان خودمان به مبادله سفیران می

پردازیم در صورتی که دیگری را به زحمت می‌شناسیم. قدرت سلاطین آنها [دیگر کشورهای اروپائی] ممکن است همانطور باشد که ادعا دارند ولی آنان به قدری از ما دور هستند که به زحمت اخبارشان به ما می‌رسد. به هر قیمتی که باشد بایستی با همسایگان مماشات کرد» (شاردن، ۱۳۴۹: ۲۴۶/۳-۲۴۵).

ظاهراً روسیه از پاسخ وزیراعظم ایران ناامید نشد و به کوشش برای جلب نظر ایران ادامه داد. به همین سبب، روسیه در سال ۱۰۸۶ق. در رأس هیأتی ۱۰ نفره، سفیر دیگری به ایران فرستاد. این هیأت پس از ورود به ایران، به سرعت عازم اصفهان شد تا در ملاقات با شاه، پیام تزار را به او برساند. بنا بر دستور تزار، آنها نمی‌توانستند بیشتر از ۱۵ روز در اصفهان بمانند. آنها مأموریت داشتند تقاضای تزار را مبنی بر کمک نظامی شامل بیست هزار نفر سرباز را با شاه مطرح کنند، اما شاه عکس‌العملی نشان نداد (نوائی، ۱۳۶۶: ۳۶۹). دولت ایران در این زمان، گر چه با تقاضای روس‌ها برای همراهی در حمله به عثمانی موافقت نکرد، اما کوشید از اختلاف نیز بپرهیزد.

#### ب- روابط اقتصادی:

سده‌های ۱۶ و ۱۷م. دوره شکوفایی تجارت جهانی بود و دولت صفویه نیز به ویژه از زمان شاه عباس اول به تجارت و بازرگانی توجه خاصی داشت؛ از این رو چندین قرارداد تجاری میان ایران و انگلستان، هلند، پرتغال و فرانسه منعقد شد، اما این کشورها کار تجارت با ایران را به طور کلی از طریق دریا انجام می‌دادند. روسیه یکی از کشورهایی بود که در اواخر قرن ۱۶م. به فکر ارتقاء سطح تجارت خود با کشورهای جهان افتاد، اما سواحل دریایی قابل کشتیرانی و بحریه قوی نداشت، بنابراین، می‌کوشید

کشورهای دیگر، از آن جمله ایران را تشویق یا وادار کند تا راه‌های تجاری خود را از دریا به خشکی و از طریق روسیه تغییر دهند. البته دولت صفویه نیز از تمایل روس‌ها استقبال می‌کرد، زیرا که علی‌رغم صلح میان ایران و عثمانی، نگرانی از بابت عثمانی برای ایران همچنان باقی بود. دولت ایران می‌دانست که در صورت حمله عثمانی امکان دریافت کمک نظامی از روس‌ها عملی‌تر است. از سوی دیگر، پاسخ مثبت به تمایلات تجاری روس‌ها ضمن دفع خطر آنها، سطح رقابت تجاری را افزایش می‌داد و این مسأله در نهایت، در ارتقاء سطح تولیدات و کاهش قیمت کالاها در داخل مؤثر بود.

تجارت ایران در دوره شاه سلیمان صفوی سیر صعودی داشت و پس از ورشکستگی و اضمحلال کمپانی مسکوی به ویژه در اثر یورش تاتارها، روابط مستقیم بازرگانی ایران و روسیه آغاز شد. تصرف سیبری برای روسیه تزاری، امکان دسترسی به پوست خز، طلا و نقره را فراهم کرد و پس از آن، روس‌ها تجارت با ایران را آغاز کردند. استراخان (حاجی طرخان) راه تجارت با ایران را گشود و تجارت از راه امپراتوری عثمانی، دیگر چشم انداز مثبتی نداشت (Chenciner..., 1992: 123). پس از آنکه راه ایران به روسیه امن شد، بسیاری از بازرگانان ترجیح دادند به جای دماغه آمیدنیک، از طریق روسیه به اروپا مسافرت کنند. بدین ترتیب، کالاهای ابریشم ایران، راه و مشتریان جدیدی پیدا کرد. بیشتر اجناس در صادرات ایران ابریشم خام و غیرخام و بیشتر صادرات روسیه پوست خز و سنگ‌های قیمتی بود (شاردن، 1349: 370-371/4; Chenciner..., 1992: 124-126). در سال 1078 ق. میان ایران و روسیه معاهده‌ای به امضاء رسید که بر طبق آن به ارمنی‌های ایران امتیاز حمل کالاهایی چون پارچه، چرم و ابریشم از آسیا و اروپا از طریق استراخان (حاجی طرخان) و ارخانگل داده می‌شد

(Chenciner..., 1992: 126). بر اساس آمار هرزیک تجارت در این مرحله رشد مستمر

داشت و برای نمونه چند رقم شاخص آن به شرح ذیل می‌آید:

- خرید کمپانی روس از ایران به سال ۱۵۶۶م. / ۱۰۰۰ کیلوگرم
- واردات کمپانی روس به سال ۱۵۸۰م. / ۵۰۰۰ کیلوگرم
- خرید یک بازرگان روس در گیلان به سال ۱۶۲۴م. / ۱۵۰۰۰ کیلوگرم
- آوردن به مسکو توسط ارامنه برای فروش به خزانه روس به سال ۱۶۷۵م. / ۳۲۰۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق استراخان به سال ۱۶۷۶م. / ۴۱۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق استراخان به سال ۱۶۹۶م. / ۸۴۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق استراخان به سال ۱۶۹۶-۱۶۹۷م. / ۱۰۰۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق روسیه به سال ۱۷۰۰م. / ۱۰۰۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق استراخان به سال ۱۷۱۲م. / ۴۴۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق استراخان به وسیله یک شرکت خانوادگی که میان استراخان و آمستردام به کار تجارت اشتغال داشت، به سال ۱۷۱۶م. / ۴۰۰۰ کیلوگرم (Herzig, 1992: 73).

ملاحظه می‌شود که صادرات ایران به روسیه، پیوسته در حال رشد بوده است و در

واقع جهت‌گیری جدید ایران در روابط خارجی به نتیجه رسیده بود.



### نتیجه

روابط ایران با روسیه طی سال‌های 1100-1080ق. روند صعودی داشت. در این دوره، شاه صفوی به همت وزیراعظم لایق خود توانست با اتخاذ سیاستی خردمندانه از تنش‌های احتمالی با همسایگان بکاهد. دولت صفوی با آگاهی از افزایش قدرت روسیه کوشید تا زمینه بروز هر گونه اختلاف را محو و کم‌رنگ کند. به همین سبب، سفرای روس را بر سفرای کشورهای دیگر مقدم می‌شمرد و به آنها اجازه می‌داد با همراهان خود در داخل ایران تجارت کنند و از معافیت‌های مالیاتی برخوردار باشند. دولت صفوی در این دوره، علاوه بر تقویت روابط سیاسی، سطح روابط اقتصادی خود را با روسیه ارتقاء داد. این مسأله علاوه بر اینکه روس‌ها را از ایران خشنود می‌کرد، برای بازرگانان در داخل ایران نیز امکان رقابت فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر، روس‌ها روز به روز قوی‌تر می‌شدند و تمایل به توسعه قلمرو در میان آنها افزایش می‌یافت. آنها با اعزام سفرایی به دربار پادشاه ایران خواهان مشارکت ایران در حمله به عثمانی بودند، اما دولت ایران تمایلی به لغو شرایط صلح با عثمانی نداشت. مهم‌ترین سبب بی‌میلی ایران در همراهی با روس‌ها، خطر خود روس‌ها در آینده بود: دولت ایران همسایگی با دو همسایه متخاصم و نسبتاً نیرومند را بر همسایگی با یک همسایه بسیار نیرومند ترجیح می‌داد. به هر حال، در صورت بروز تهدید، امکان اتحاد ایران با یکی از همسایگان علیه دیگری وجود داشت. روس‌ها تمایل داشتند راه‌های تجاری به اروپا از مسیر دریا به مسیر خشکی از طریق روسیه تغییر یابد، زیرا در این صورت، منافع سرشار اقتصادی عاید روسیه می‌شد. در این باره، ایران تا حدودی با روس‌ها موافق بود، چرا که امکان رقابت بیشتر برای تجار فراهم می‌گردید و بر تنزل

قیمت‌ها و افزایش تولید داخلی نیز تأثیر داشت. از سوی دیگر، در صورت تحقق این مهم، مرزهای شمالی ایران از تهدید و هجوم مکرر اقوام مختلف تا حدی برکنار می‌ماند. به هر روی، به سبب دوراندیشی دولت وقت ایران، سطح تجارت کشور با روس‌ها و صادرات از این طریق رشد چشمگیری یافت.

## منابع و مأخذ

سانسون، مارتین (1346)، *سفرنامه سانسون*، ترجمه: تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.  
 شاردن، ژان، (1349)، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.  
 لاکهارت، لارنس، (1368)، *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه: مصطفی قلی عماد، تهران: مروارید.  
 [نامعلوم]، *مختصرالتواریخ*، نسخه خطی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.  
 نوائی، عبدالحسین، (1360)، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از 1038 تا 1105 ق.*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

\_\_\_\_\_، (1366)، *ایران و جهان از مغول تا قاجاریه*، ج 1، تهران: هما.

وحید قزوینی، محمد طاهر، (1329)، *عباسنامه*، به تصحیح: ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داودی.  
 Chenciner'R and M.MagomedKhanov' "Persian exports to Russia from the sixteenth to the nineteenth century" 'Iran'. 30 (1992), pp. 123-130.  
 Herzig' E' "The volume of Iranian raw silk exports in the Safavid periods". Iranian studies' 24 (1992), pp. 61-79.



